

برخی از رویدادهای مهم ایران

گزارشگر آزادی بیان ابتدا با مقام های ایرانی دیدار کرد

بی بی سی - چهارشنبه 14 آبان 1382 - 5 نوامبر 2003

"آمبئی لیگابو"، گزارشگر ویژه آزادی بیان و عقیده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که برای بررسی وضعیت حقوق بشر به ایران سفر کرده، روز چهارشنبه پنجم نوامبر دیدار با مقام های ایرانی را آغاز کرد.

آقای لیگابو در نخستین مرحله از سفر خود با محمدحسن ضیایی فر، دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران و حسین انصاری راد، رییس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و سپس سعید مرتضوی، دادستان تهران دیدار کرد.

هم آقای ضیایی فر و هم آقای انصاری راد از جمله چهره های منتقد وضعیت حقوق بشر در ایران محسوب می شوند.

آقای ضیایی فر پس از دیدار با گزارشگر سازمان ملل به ایسنا، خبرگزاری دانشجویان ایران گفت: "شرمند می شوم وقتی می بینم به عنوان یک فعال حقوق بشر در داخل ایران اجازه ندارم یک زندانی شناخته شده سیاسی داخلی را بنیم و جواب خانواده اش را بدهم. در این حال زمانی که یک گزارشگر از بیرون می آید، گویی مردم آزادی را در وجود وی می بینند."

آقای انصاری راد هم در دیدار با "آمبئی لیگابو" گفت: مجلس ششم تمامی مساعی خود را جهت تحکیم حقوق بشر بعمل می آورد و با پیگیری پرونده های مختلف شکایت از قوای سه گانه به احقاق حقوق شهروندان کمک می کند.

حسین انصاری راد به خاطر گزارشی که کمیسیون تحت ریاست وی درباره چگونگی قتل زهرا کاظمی، خبرنگار ایرانی، کانادایی در حین بازداشت در ایران تهیه کرد و در آن دادستانی تهران را مقصر شناخت، از سوی سعید مرتضوی، دادستان تهران علیه او اعلام جرم شده است.

به گزارش ایرنا، خبرگزاری جمهوری اسلامی، آقای لیگابو گفته است: "اعتقاد من این است که نهادهای حقوق بشری در ایران، با تکیه بر تعالیم دینی و اخلاق و سنن ایرانی گامهای بلندی در مسیر حقوق بشر و آزادی عقیده و بیان برداشته اند."

آقای لیگابو همچنین گفت: "در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد مطلب مستند و متقنی علیه جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد."

آقای لیگابو بعد از ظهر چهارشنبه با سعید مرتضوی، دادستان تهران دیدار کرد.

سعید مرتضوی که بیشترین شهرت داخلی و خارجی خود را در دوران قضاوتش در دادگاه مطبوعات ایران و پس از صدور حکم توقیف بیش از 90 روزنامه و نشریه و زندانی کردن چندین روزنامه نگار کسب کرده، در این دیدار نظام قضایی ایران را "منحصر به فرد" توصیف کرد.

آقای مرتضوی گفت: "شیوه رسیدگی به جرائم مطبوعاتی (در ایران) به گونه ای است که از نظر تشریفات و دقت در عمل بی نظیر بوده و در کمتر کشوری می توان نمونه آن را یافت."

ایرنا گزارش داده که سعید مرتضوی در ادامه همین بحث از آقای لیگابو خواست تا چنانچه نمونه ای بهتر از ایران یا مثل ایران (ظاهراً در رسیدگی به جرائم مطبوعاتی) می شناسد نام ببرد که طبق این گزارش، آقای لیگابو "سکوت" می کند.

هدف از سفر به ایران

محمد حسن ضیایی فر در مورد هدف سفر آقای لیگابو و هیات همراه وی به ایران گفته است: "وظایف این هیات این است که تلاش کند از مراجع رسمی و غیررسمی که به نحوی در سطح بین المللی شناخته شده هستند، اطلاعات کسب کند و یک داوری درستی راجع به جامعه ایران پیدا کند."
آقای لیگابو بنابر دعوت جمهوری اسلامی به ایران سفر کرده است.

از دو سال قبل به این سو که در سازمان ملل متحد قطعنامه ای علیه وضعیت حقوق بشر در ایران تصویب نشده، این سازمان نماینده ویژه بررسی وضع حقوق بشر برای ایران تعیین نکرده و تنها

گزارشگرانی بنا به دعوت خود ایران به این کشور سفر کرده و گزارش هایی از اوضاع تهیه می کنند. قرار است آقای لیگابو در ادامه سفرش به ایران با تعدادی از روزنامه نگاران و فعالان سیاسی و فعالان حقوق بشر، از جمله شیرین عبادی، برنده جایزه نوبل صلح نیز دیدار کند.

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در پی انتشار برخی اظهار نظرها، اعلام کرد ایران برنامه ای برای تولید موشک «شهاب 4» ندارد .

چهارشنبه 14 آبان 1382 - 5 نوامبر 2003

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران، روابط عمومی وزارت دفاع اعلام کرد: «وزارت دفاع به عنوان تامین کننده نیازهای موشکی کشور، هیچ گونه برنامه‌ای برای تولید موشک «شهاب-4» در دست اقدام ندارد و این موضوع بارها توسط مسوولان این وزارتخانه اعلام و تأکید شده است.» انتهای پیام

مواضع رژیم و جناحهای آن در مورد مهمترین تحولات ایران

مقام معظم رهبری سند نهایی چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران را ابلاغ کردند
چهارشنبه 14 آبان 1382 - 5 نوامبر 2003

مقام معظم رهبری، با ابلاغ سند نهایی چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران به سران سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، افق روشن ایران را در سال 1404 هجری شمسی ترسیم کردند.

به گزارش خبرگزاری کار ایران، ایلنا، متن سند نهایی چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران به این شرح است:

«چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق 1404 هجری شمسی»
با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدیرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست‌ساله:

ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

- توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر: مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها، و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی.
- برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی.

- امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم و حکومت.
- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.

- فعال، مسوولیت‌پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

- دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرمافزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

- الهام‌بخش، فعال و موثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره).

- دارای تعامل سازنده و موثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.
ملاحظه:

در تهیه، تدوین و تصویب برنامه‌های توسعه و بودجه‌های سالیانه، این نکته مورد توجه قرار گیرد که، شاخص‌های کمی کلان آنها از قبیل: نرخ سرمایه‌گذاری، درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، نرخ اشتغال و تورم، کاهش فاصله درآمد میان دهک‌های بالا و پایین جامعه، رشد فرهنگ و آموزش و پژوهش و توانایی‌های دفاعی و امنیتی، باید متناسب با سیاست‌های توسعه و اهداف و الزامات چشم‌انداز، تنظیم و تعیین گردد و این سیاست‌ها و هدف‌ها به صورت کامل مراعات شود.

شایان ذکر است این چشم‌انداز، مبنای تنظیم سیاست‌های کلی چهار برنامه پنج ساله آینده خواهد بود و افق جهت‌گیری کلی فعالیت‌های کشور را در ابعاد مختلف در بیست سال آینده مشخص می‌نماید. پایان پیام

دیدگاه‌های نیروهای سیاسی در مورد شرایط کنونی ایران

آیت الله منتظری: اصلاحات عمل کردن به وعده‌های اولیه انقلاب است
چهارشنبه 14 آبان 1382 - 5 نوامبر 2003

آیت الله منتظری در گفت و گو با خبرنگار کانادایی به پرسش‌های او پاسخ گفت.
به گزارش خبرگزاری کار ایران، ایلنا، گزیده‌ای از این گفت و گو در پی می‌آید:
- به نظر شما چرا اکثریت مردم ایران خواستار تغییرات و اصلاحات هستند؟

+ حقیقت مطلب این است که رژیم شاه با این که روزی 6 میلیون بشکه نفت صادر می‌کرد، وضعیت اقتصادی کشور هم بد نبود هر چند حیف و میل نیز می‌شد ولی به مردم هم از همین پول نفت امکاناتی می‌رسد اما آنچه که در کشور ما نبود استقلال و آزادی بود و مردم برای این دو شعار اساسی انقلاب کردند، یعنی مردم خواستار آن بودند که کشور خارجی در امور داخلی کشورشان دخالت نکند و در ابراز عقائد و نظریات هم آزاد باشند.

مردم ایران انقلاب کردند تا دست اجانب از کشور کوتاه شود و حکومت از آن مردم باشد یعنی حکومتی باشد که برآیند خواست و نظر مردم باشد، شعارهای اساسی مردم استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود، بدین معنی که حکومت مردمی و بر اساس موازین اسلامی باشد. ولی پس از گذشت سال‌ها مردم دیدند آن شعارهای صدر انقلاب زیر پا گذاشته می‌شود، اصلاحاتی که گفته می‌شود، مطلب تازه‌ای نیست بلکه مقصود، عمل کردن به همان وعده‌های اولیه انقلاب است. دادگاه انقلاب که نامی از آن در قانون اساسی نیست با کسانی که اظهار نظر مخالف دارند برخورد‌های تند می‌کند، آنها را احضار، بازداشت و زندانی می‌نماید. دادگاه غیر قانونی ویژه روحانیت به گونه‌ای دیگر با روحانیون که نظر مخالف دارند برخورد می‌کند.

خود من به واسطه اظهار نظراتی که به آنها اعتقاد داشته و مصلحت می‌دانستم بیان کنم، بیش از 5 سال محصور بودم، گذشته از بازداشت‌ها، نزدیک 100 نشریه را همین دستگاه قضایی تعطیل کرده و روزنامه نگاران را به زندان‌های طویل‌المدت محکوم کردند. من واقعاً در گفتار و عمل آقایان در حاکمیت تضاد روشن می‌بینم، از یک طرف می‌گویند مردم باید در انتخابات مجلس شرکت کنند، مجلس در رأس امور است، ولی پس از اظهار نظر نمایندگان ملت در مجلس آنها را احضار و محاکمه می‌کنند و هیچ حرمتی برای نمایندگان ملت قائل نیستند. در رابطه با همین ماجرای اخیر یعنی امضای پروتکل الحاقی به کنوانسیون منع سلاح‌های هسته‌ای وقتی که سه وزیر خارجه اروپایی به ایران آمدند، یک نفر به عنوان دبیر شورایی عالی امنیت ملی به پای میز مذاکره می‌رود و این یک تصمیم گیرنده است در حالی که نمایندگان مجلس و مردم از سیر قضایا بی‌اطلاعند. روال کار این بود که در ملاقات با وزرای خارجه سه کشور گفته می‌شد، اولاً کشور ما کشور دموکراسی و حکومت آن، مردمی است و طبق قانونی نمایندگان مردم باید در مسائل اساسی تصمیم بگیرند، اگر نمایندگان مردم نظر مثبت دادند آن وقت امضا خواهد شد، یک نفر نمی‌تواند در امر مهم مربوط به 70 میلیون مردم تصمیم بگیرد.

و ثانیاً: اگر بناست سلاح‌های هسته‌ای برچیده شود باید دنیایی عاری از این قبیل سلاح داشته باشیم، نه این که آمریکا و اسرائیل و برخی کشورهای دیگر دارای این سلاح‌ها باشند و فقط کشورهای مسلمان از جمله ایران حق نداشته باشند دارند این سلاح‌ها باشند. در یکی از جرایم خواندم، نخست وزیر انگلیس گفته است: ما نگران آن هستیم که ایران اسرائیل را مورد هدف قرار دهد. پس معلوم می‌شود آنها به دنبال امنیت اسرائیل اند نه جمع آوری سلاح‌های کشتار جمعی. اگر می‌گویند به ایران و برخی کشورهای دیگر اعتماد نیست مگر به آمریکایی‌ها می‌توان اعتماد کرد؟ مگر آمریکا به ناکازاکی و هیروشیما زاین حمله اتمی نکرد و مگر هزاران انسان بی‌گناه را آنجا نکشت؟

- به نظر شما چه اتفاقی افتاد که شعارهای اولیه انقلاب از دست رفت؟
+ علت اصلی این است که به مردم بها داده نشد و عده‌ای خودسرانه حکومت را به صورت حکومت فردی درآوردند کسی هم اگر اعتراض کند با او برخورد می‌کنند.
- من در تهران کمتر بوده‌ام ولی مشاهده کردم که برخی دخترها و پسرها دست در دست هم با هم راه می‌روند.

+ منظور ما از آزادی بی‌بند و باری نیست، آزادی که خواست مردم ماست آزادی عقیده و بیان است، همان آزادی که در زمان پیامبر (ص) و امام علی (ع) وجود داشت و آنان از هر نحو انتقادی استقبال می‌کردند. آزادی یعنی اینکه 135 نماینده مجلس بتوانند آزادانه نامه بنویسند و کسی حق نداشته باشد ائمه جمعه، جرایم و ... را علیه آنان بسیج کند تا با آنان برخورد کنند.
- محافظه کاران ایجاد رابطه با غرب را دارای خطر می‌دانند، به نظر شما آیا ارتباط با غرب چه خطراتی می‌تواند برای ایران داشته باشد؟

+ به غیر از اسرائیل که ما آن را کشور مشروعی نمی‌دانیم رابطه بر اساس احترام متقابل در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با سایر کشورها اشکال ندارد و به نفع کشور است نه اینکه کشوری مثل آمریکا بخواهد در ایران دخالت کند.

متأسفانه علی‌رغم تمام شعارهایی که داده می‌شود که ارتباط، خطراتی دارد اما برخی در سیاست شفاف عمل نکرده و نمی‌کنند و هر چه می‌گویند خلاف آن را عمل می‌کنند، به نظر من در سیاست باید شفاف سخن گفت و عمل کرد. ما مخالف سیاست غیر شفاف هستیم، سیاستی که در آن صداقت، عاطفه، انسانیت و دین نباشد شیطان‌ی است. شما ملاحظه کنید در رابطه با مرگ خبرنگار کانادایی ایرانی الاصل، خانم زهرا کاظمی چه مشکلاتی عاید ایران شده است و اصل ماجرا هم مشخص نمی‌شود که واقعاً چه کسی مرتکب این جنایت شده است.

- اگر فلسطینی‌ها حاضر شوند اسرائیل را به رسمیت بشناسند شما چه نظری دارید؟
چون فلسطین مال فلسطینی‌هاست، خودشان حق دارند در رابطه با کشور خود تصمیم بگیرند.
ما که می‌گوییم اسرائیل غاصب است چون شروع غصب آنجا با خریداری تنها 6 درصد اراضی فلسطین آغاز شد سپس با جنگ، زور، خدعه و آواره کردن فلسطینی‌ها 51 درصد را تصاحب کردند و الان هم

تفکر و ایده از نیل تا فرات را در سر دارند. قاعدتاً فلسطینی‌ها بدون بازپس گیری اراضی اشغالی و بازگشتن آوارگان راضی نخواهند شد که با اسرائیل کنار بیایند.

- آیا حکومت اسلامی پایان می‌یابد؟

+ چون برخی کارهای خلاف خود را با نام اسلام توجیه می‌کنند، قهراً مردم به اسلام و هر نوع حکومتی که با نام اسلام باشد روی خوش نشان خواهند داد.

- آیا مردم فکر می‌کنند انقلابی که 25 سال پیش کردند، کار صحیحی بود؟

کشور از آن مردم است. آنها تشخیص دادند باید انقلاب کنند و با اهداف بلندی انقلاب کردند البته خیال می‌کردند به وعده‌های داده شده عمل می‌شود و کشور مستقل و آزادی خواهیم داشت و از استبداد نجات پیدا می‌کنیم.

ابراهیم یزدی: آزادی زندانیان سیاسی و فضای باز سیاسی، راه ناگزیر نجات از بحران‌ها ی فعلی است
چهارشنبه 14 آبان 1382 - 5 نوامبر 2003

دکتر ابراهیم یزدی، دبیر کل نهضت آزادی ایران گفت: تصمیم گیران حکومت ایران در بالاترین سطح به توافق رسیده‌اند که تشنجات و تلاطمات بیرونی را کاهش دهند.

دکتر ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت موقت (دولت مهندس بازرگان) در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری کار ایران، ایلنا، گفت: به نظر می‌رسد که حاکمان ایران می‌خواهند، بحران‌ها را در بیرون بکاهند، بنابراین گام به گام در جهت تأمین نظر قدرتهای خارجی حرکت می‌کنند.

وی افزود: حل مسئله پناهندگان القاعده و امضای پروتکل الحاقی به پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی علیرغم ضد و نقیض گوی‌های اخیر به تدریج به سوی نقاط مشخصی پیش می‌رود، اما آیا به موازات بهبود وضعیت روابط خارجی در داخل کشور هم تغییراتی در حال صورت گرفتن است؟

یزدی در ادامه گفت: من چنین چیزی را نمی‌بینم چرا که تصمیم گیران تصورشان بر این است که اگر چنانچه چالش‌ها را در بیرون از کشور حل کنند، مشکلی در برایشان نخواهد بود.

دبیر کل نهضت آزادی در ادامه در پاسخ به پرسشی مبنی بر تأثیرات سفر گزارشگر سازمان ملل به ایران گفت: سفر این افراد به ایران و مذاکراتی که نمایندگان ایرانی با اتحادیه اروپا در بروکسل انجام داده‌اند همه حکایت از آن دارد که مسئله حقوق بشر و پای‌بندی ایران به تعهدات بین المللی از جمله بیانه حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد، یک امر بسیار مهم برای جهان خارج است و آنها بر این اصل پافشاری خواهند کرد.

وی افزود: ایران چاره‌ای نخواهد داشت که در شرایط کنونی به آنها جواب دهد و در جهت ترسیم وضعیت حقوق بشر در ایران که در قانون اساسی هم تصریح شده است، گام بردارد.

دکتر یزدی در ادامه گفت: آزادی زندانیان سیاسی و فضای باز سیاسی و بهبود در جهت روابط حکومت با ملت راه ناگزیر نجات از بحران‌های فعلی است.

دبیر کل نهضت آزادی ایران در ادامه در رابطه با بحران‌های بین المللی و حرکت ایران در مجامع جهانی گفت: نگرانی و اتهامات جامعه جهانی علیه ایران چهار محور دارد، اول اتهام علیه ایران در مورد تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی از جمله بمب اتم، دوم عدم تمکین و پای‌بندی به معاهدات بین المللی و نقض حقوق بشر در ایران، سوم محور حمایت از تروریسم، چهارم مخالفت با صلح خاورمیانه.

وی در ادامه گفت: در مورد صلح خاورمیانه و تروریسم ایران حرف‌هایی دارد که کم و بیش بیان کرده و برخی از کشورها این استدلال‌ها را پذیرفته‌اند اما در مورد حقوق بشر اجماع جهانی بر این است که ایران کارنامه خوبی ندارد و اتحادیه اروپا به صراحت اعلام کرده است ادامه و بهبود روابط اقتصادی با ایران مشروط به تغییر وضعیت حقوق بشر در ایران است.

دبیر کل نهضت آزادی ایران گفت: علاوه بر این، زمامداران ایران نباید فراموش کنند که در اهدای جایزه صلح نوبل به یک زن مسلمان ایرانی پیام بسیار شفاف وجود دارد، آیا آنها این پیام را درک کرده‌اند؟ آینده نشان خواهد داد آنها چاره‌ای ندارند جز اینکه این پیام را بپذیرند.

یزدی افزود: اهرم‌های فشار بین المللی در دهکده جهانی متعدد است و هیچ کشور حتی آمریکا نمی‌تواند بدون توجه به افکار عمومی عمل کند.

یزدی در پایان با اشاره به درخواست‌های مدنی شهروندان از حاکمیت سیاسی، تأکید کرد: جریان اقتدارگرا اگر بخواهد به حقوق ملت تمکین کند، در انتخابات آتی با عدم مشارکت گسترده مردم روبرو می‌شود.

وی افزود: یقیناً جامعه جهانی امروز با کشوری که درون خود از مشروعیت مردمی برخوردار نباشد حاضر به همکاری نخواهد بود، علاوه بر اینکه ایران برای حل مشکلات اقتصادی خود نیز نیازمند همکاری جامعه جهانی است. پایان پیام

تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی

اعتراف مامور سابق امنیتی علیه جمهوری اسلامی

بی بی سی - چهارشنبه 14 آبان 1382 - 5 نوامبر 2003

یک مامور سابق امنیتی ایران که هم اکنون در آلمان به سر می‌برد، دولت ایران را متهم به برنامه ریزی انفجار سال 1994 مرکز یهودیان شهر بوئنوس آیرس آرژانتین کرده است.

این مامور سابق که به عنوان "منبع سی" معرفی شده، روز چهارشنبه پنجم نوامبر از طریق ارتباط ویدیویی در دادگاه رسیدگی کننده به انفجار سال 1994 بوئنوس آیرس که 85 کشته و حدود 200 زخمی برجای گذاشت، سخن گفت.

وی که نامش فاش نشده گفت بمبگذاری توسط ایران برنامه ریزی، هدایت و اجرا شد.

این شاهد گفت که ایران به این خاطر مرکز یهودیان بوئنوس آیرس را انتخاب کرد که معتقد بود این مرکز، پایگاه ماموران مخفی اسرائیل بوده است.

ایران همواره هرگونه دخالت در این انفجار را تکذیب کرده است.

هادی سلیمانپور، دیپلمات ایرانی که در زمان انفجار، سفیر ایران در آرژانتین بود، یکی از متهمان به دست داشتن در این انفجار است و درخواست جلب بین المللی وی توسط دادگاه آرژانتین صادر شده است.

آقای سلیمان پور که از چند سال قبل در بریتانیا به تحصیل مشغول بوده است، حدود 3 ماه پیش در این کشور بازداشت شد و دادگاهی در لندن در حال بررسی تقاضای استرداد وی به آرژانتین است.

بازداشت آقای سلیمانپور در بریتانیا روابط دو کشور را دچار تنش های زیادی کرد که همچنان ادامه دارد.

نیروگاه بوشهر و پرسش های بی پاسخ چهارشنبه 14 آبان 1382 - 5 نوامبر 2003

گزارش اختصاصی «بازتاب» از تنها نیروگاه هسته ای کشور در ماه های اخیر، مهم ترین سوژه ای که در صدر اخبار رسانه های داخلی و خارجی مطرح شده، مسأله فعالیت های هسته ای ایران بوده است. در این مدت اگرچه بسیاری از کشورها ایران را به تلاش برای ساخت بمب اتمی متهم می کردند، اما مقامات ایران همواره بر این عقیده بوده اند که فعالیت های هسته ای را برای اهداف صلح آمیز و به ویژه تولید برق در نیروگاه ها دنبال می کنند.

اما آنچه در میان جنجال های خبری داخلی و خارجی کمتر به آن پرداخته شد، وضعیت قدیمی ترین نیروگاه هسته ای ایران بود. کار ساخت این نیروگاه در دوره پهلوی در نزدیکی بوشهر آغاز شد و شرکت آلمانی طرف قرارداد تا پیش از پیروزی انقلاب بخش زیادی از این پروژه را به نتیجه رسانده بود.

در مرحله بعدی ایران با روسیه قراردادی به امضا رساند تا کار این پروژه را تکمیل نماید. با این حال کارنامه 11 ساله روسیه در انجام تعهدات خود، مبهم و سؤال برانگیز می نماید. از سوی دیگر مسئولان ایرانی مرتبط با نیروگاه بوشهر نیز عملکرد شفاف و قابل قبولی - چه در زمینه پیشرفت عملیات توسط دست اندرکاران ایرانی و چه پیگیری مطالبات از پیمانکاران روسی از خود ارایه نداده اند.

در گزارش زیر برخی از ابهامات موجود در عملیات تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر مورد توجه قرار گرفته است. هرچند بر آن بودیم تا این ابهامات را با دکتر شریف لوی - ریاست کنونی نیروگاه اتمی بوشهر - به گفت و گو بنشینیم، اما در تماس های مکرر خبرنگار «بازتاب»، به بهانه اجازه از مقامات مرکزی انرژی اتمی، چنین گفت و گویی شکل نگرفت.

موافقتنامه همکاری های هسته ای با روسیه در سال 1992 به امضا رسید، اما امضای قرارداد ساخت نیروگاه بوشهر تا سال 95 طول کشید. در حالی که از همان سال 92، شرکت های ایرانی وابسته به سازمان انرژی اتمی نسبت به ساخت و تجهیز امکانات اقدام می کردند و به عنوان مثال 15 ژنراتور دیزلی - که برای استفاده از برق اضطراری توسط شرکت MTU آلمان در سال 1977 به ایران انتقال داده شده بود - دوباره توسط مهندسان ایرانی تعمیر و آماده سازی شد. اولین سؤال اینجاست که چرا اساساً این روند سه سال طول کشید؟

توافقنامه همکاری های هسته ای ایران و روسیه در 25 اوت سال 1992 به امضای طرفین رسید و پس از آن در 18 ژانویه 1995، قرارداد ساخت نیروگاه هسته ای 1000 مگاواتی آب سبک امضا شد. از آغاز فعالیت، این نیروگاه تحت بازرسی های پادمان آژانس انرژی اتمی قرار داشته و قرار بوده که در این نیروگاه، اورانیوم غنی شده با 4% غلظت تولید شود. قرارداد روسیه با ایران به مدت 5 سال بسته شد، اما در سه مرحله به تعویق افتاد و در آخرین اظهارنظرهای مقامات روسی، وعده سال 2006 به ایران داده شد.

قول اتمام نیروگاه بوشهر پس از 11 سال در حالی با تردید از سوی مقامات روسی بیان می شود که روسیه نظیر همین قرارداد (یعنی نیروگاه 1000 مگاواتی) را در سال 95 با هندوستان امضا کرد و در عرض سه سال، آن را به اتمام رساند و در حال حاضر نیز دومین نیروگاه هند به کمک روسیه در حال ساخت است.

حال سؤال اینجاست که اگر دو سال دیگر (یعنی بیش از 10 سال) صبر پیشه کنیم، آیا پروژه به اتمام خواهد رسید؟

مرحله اول پروژه مطالعات اولیه (Preliminary Study) در سال 95 طبق برنامه زمان بندی قرارداد (Time Table) می بایست به انجام می رسید و مطالعات تطبیقی پروژه به جای مطالعات اولیه قرار می گرفت، در حالی که تا پیش از سال 77، 80 درصد عملیات و نصب تجهیزات پروژه فاز یک به انجام رسیده بود و نیز 30 درصد عملیات فاز 2 به انجام رسیده است. ضمناً مراحل دوم پروژه که شامل Basic Engineering است، نهایتاً تا نیمه اول سال 96 می بایست به پایان می رسید. با این حال هیچ گاه مشخص نشد که مرحله اول و دوم این پروژه در چه مقطعی از کار قرار دارد.

مرحله ساخت تجهیزات و نصب آنها - که از مراحل سوم و چهارم پروژه است - طبق برنامه زمان‌بندی هم‌زمان در روسیه و ایران می‌بایست به انجام می‌رسید که با توجه به مطالعات تطبیقی، قرار بود تا سال 2000 به انجام برسد. اما تا به حال این مرحله هم بی‌نتیجه مانده و قرار است، دست‌کم دو سال دیگر ادامه یابد. به رغم آنکه عمده عملیات ساختمانی با تجهیزات داخلی انجام می‌شده و نیازی به استفاده از امکانات خارجی در این زمینه نبوده و پیمانکاران داخلی از عهده آن برمی‌آیند، این عملیات‌ها نیز انجام نشده است.

ظاهراً تجهیزات سنگین نیروگاه بوشهر تا فروردین ماه 1382 به ایران ارسال و در سال 1381 نیز رآکتورهای هسته‌ای در نیروگاه نصب و کلیه توربین‌ها و ژنراتورها نیز به این کشور منتقل شده است. اما به دلیل انحصاری بودن تجهیزات - که حتماً باید روسی باشد - تحویل آنها برای ایران بسیار مهم است. همچنین حدود 1250 نفر کارشناس روسی نیز در نیروگاه مشغول به کارند و کلیه عملیات ساختمانی هم به وسیله پیمانکاران ایرانی انجام پذیرفته است. با این حال طرف روسی و مقامات ایرانی مشخص نکرده‌اند که چرا این پروژه تا این حد به تأخیر افتاده است. هزینه انجام این پروژه در زمان امضای قرارداد، 800 میلیون دلار بود و اکنون لافل به دو برابر و بنا بر برخی گزارش‌ها به دو میلیارد دلار افزایش یافته است. اما بر اساس شواهد موجود آیا مکانیزمی برای جبران خسارات وارده به ایران از بابت تأخیر در اجرای پروژه و نیز بالا بردن هزینه‌ها توسط روس‌ها اندیشیده نشده است و آنها تا به حال برای این دیرکردها، خسارتی به ایران نپرداخته‌اند. تجهیزات ابزار دقیق که از تعهدات روسیه برای ساخت هم‌زمان از سال 1996 بوده و آنها برای ساخت تجهیزات مورد نیاز پروژه به ایران متعهد شده‌اند. اما تاکنون برخلاف برنامه زمان‌بندی پروژه حدود 70 درصد این تجهیزات به ایران منتقل نشده است.

مقامات کشور روسیه برای پاسخگویی به مقامات کشورهای دیگر در خصوص همکاری هسته‌ای با ایران دایماً بر این امر تأکید داشته‌اند که سوخت اتمی باید پس از استفاده به روسیه بازگشت داده شود و این امر را البته به صورت يك موافقتنامه الحاقی به ایران پیشنهاد داده‌اند. اما این موضوع خارج از شرایط اولیه قرارداد ایران با روسیه و همچنین موجب بار مالی، اختلافات اقتصادی و اختلافات داخلی روسیه است. با این حال آنها در توضیح دلایل خود برای به تعویق انداختن امضای موافقتنامه ارسال سوخت اورانیوم به درجه غنی‌سازی 4% و نیز برگشت این سوخت به کشورشان اعلام نموده‌اند، وزارت انرژی روسیه با وزارت محیط زیست این کشور اختلاف نظر دارد، اما آیا ایران باید معطل مشکلات داخلی روس‌ها شده و با این بهانه‌جویی‌ها کار ما به تأخیر بیفتد؟

موارد فوق بخشی از ابهامات موجود در این زمینه بود که البته قریب به اتفاق آنها با سکوت سؤال‌برانگیز مسئولان سازمان انرژی اتمی و نیروگاه بوشهر همراه بوده است و البته یکی از آنها در پاسخ به علت تأخیر افتادن اتمام نیروگاه بوشهر، تأخیر در پروژه‌های عمرانی را امری کاملاً طبیعی دانسته است. البته روشن است که برخی مسایل هسته‌ای در زمره اطلاعات محرمانه به شمار می‌رود، اما روندی که توسط مسئولان پی گرفته شده است و به پنهان‌کاری درباره يك نیروگاه تولید برق - که در حال حاضر يك مقوله بسیار عادی و پیش‌پاافتاده است - منجر شده باعث می‌شود تا آنها نتوانند از فشار افکار عمومی بر طرف روسی استفاده کنند که به بهانه‌های گوناگون به اهمال در انجام تعهداتش می‌پردازد. این امر البته نگرانی‌های داخلی را نیز به وجود می‌آورد که علاوه بر روس‌ها، دست‌اندرکاران ایرانی این پروژه به بهانه مخفی بودن عملیات و نبود فشار رسانه‌ها در انجام مسئولیت‌های خود کم‌کاری کنند.

رویدادهای عراق، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

فرماندهی نیروهای آمریکایی در عراق اعلام کرد که در روزهای اخیر میزان سلاح‌هایی که توسط

نیروهای این کشور در عراق کشف و ضبط شده است، به بیش از 650 تن می‌رسد.

چهارشنبه 14 آبان 1382 - 5 نوامبر 2003

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از روزنامه‌ی الزمان - چاپ لندن - ژنرال ریکاردو سانچز، فرماندهی نیروهای آمریکایی در عراق اظهار داشت: «برخی از مخفی‌گاه‌هایی که سلاح در آن ذخیره شده بود و توسط نیروهای آمریکا ضبط و کشف شده است، مساحت آنها به بیش از 15 کیلومتر مربع می‌رسد.»

وی افزود: «این نیروها روزانه براساس بازرسی‌های گسترده‌ی که در عراق انجام می‌دهند، به مخازن و مخفیگاه‌های گسترده‌ی از اسلحه دست می‌یابند.»

این ژنرال آمریکایی اذعان داشت که نیروهای آمریکایی در برابر وفور اسلحه در عراق به ویژه در بازار سیاه آن عاجز مانده‌اند؛ به طوری که در این بازارها به راحتی می‌توان به موشک و موشک‌انداز و انواع دیگر سلاح از جمله کلاشینکف دست یافت و این گونه سلاح‌ها به قیمت ارزانی در بازار عرضه می‌شوند به قیمتی مانند 100 دلار.» انتهای پیام

شیعیان و آینده عراق - حکومت عرفی یا مذهبی

• انسجام بیشتر شیعیان

اسماعیل آزادی: روزنامه شرق - پنجشنبه 15 آبان 1382 - 6 نوامبر 2003

• کدام کردها؟

منظور من کردهای سکولار یعنی بارزانی‌ها و طالبانی‌ها است. ناسیونالیست‌های رادیکال عرب، ناسیونالیست‌های میانه‌روی عرب، اسلام‌گرایان میانه‌رو و اسلام‌گرایان رادیکال عرب و... همگی مخالف این کردها هستند. به خصوص اگر عراق بخواهد فدرال شود و خطر جدایی وجود داشته باشد. زیرا آنها عراق را سرزمینی عربی می‌دانند. البته این یک جریان فرعی است و فعلاً نشانه‌های پرننگی از آن وجود ندارد. اما مثلاً پذیرش این که فردی مثل «هشیار زواری» که کرد است وزیر خارجه عراق شود برای کشورهای عربی خیلی سخت است.

• با توجه به فرآیند حرکت‌های بنیادگرایی در عراق به اعتقاد شما، پتانسیل تقویت و استمرار این بنیادگرایی در مقابل شیعه، در عراق و سایر کشورهای عربی تا چه حد است؟

البته ترور آیت‌الله حکیم یک پدیده مهم بود که ایران، مجلس اعلا و حتی آمریکا از آن ضربه خوردند. اینکه صدام حسین و سخنگوی القاعده مسئولیت این کار را نمی‌پذیرند و این اتهام را رد می‌کنند نشان می‌دهد که قضیه بیخ پیدا کرده است. با ترور شخصیتی مثل حکیم مردم عراق به خیابان‌ها ریختند و سوگواری کردند و پخش آن از شبکه‌های الجزیره و غیره باعث شد، تضاد بین رادیکالیسم شیعه و سنی قدری کند شود. اما امکان این که آیا یک رادیکالیسم سنی در برابر شیعه شکل بگیرد، درست است. اکنون ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که این وضعیت را در مطبوعات عربی و اظهار نظرهای افراد مختلف می‌بینیم که مثلاً شیعه‌ها با آمریکا همکاری می‌کند و "اما این که، این فرآیند منجر به یک تضاد اساسی شود، خیلی روشن نیست و مقدار زیادی به آینده عراق و سرنوشت صدام حسین بستگی دارد. قطعاً اگر صدام حسین از بین برود، بسیاری از این مشکلات حل خواهد شد. مگر القاعده تا چه حد می‌تواند در عراق چنین کارهایی کند؟ اکنون شیعیان عراق با این ضربه سختی که خوردند، زخم دار هستند.

• به همین دلیل فضای رقابتی داخل عراق قدری آرام شده است؟

بله. به همین دلیل شیعه منسجم می‌شود و حتی رقابتی چون صدر و "مهره‌هایی نیستند و اگر خیلی ماجراجویی کنند خود شیعیان یا آمریکایی‌ها جلوی آنها را می‌گیرند. این مهره‌هایی هستند که در آینده مضمحل خواهند شد و بنیادگرایان سنی، ناسیونالیست‌های عرب و به طور کلی اعراب، نمی‌توانند از این‌ها استفاده کنند. اکنون شیعیان منسجم‌تر و متحدتر شده‌اند و عزمشان برای حضور در عراق جزم شده است. بنابراین در این شرایط رادیکالیسم سنی قادر به انجام کاری نخواهد بود. زیرا در عراق سنی زیادی وجود ندارد اگر بخواهند باید از خارج بیایند و این هم عملی نیست چون به هر حال مرزها امن خواهد شد و جلوی این گونه ورود و خروج‌ها گرفته خواهد شد. به نظر من این فرآیند در آینده به عملیات ایدایی منجر خواهد شد، این گونه اقدامات هم زیاد نمی‌تواند ادامه پیدا کند. به هر حال اگر صدام حسین از بین برود تا حد زیادی این مسائل حل خواهد شد.

• موضع‌گیری کشورهای عربی نسبت به دولت انتقالی عراق چگونه خواهد بود؟

در مورد کشورهای عربی قدری به زمان احتیاج است زیرا موضع‌گیری آن‌ها به کارکرد شورای حکومتی و آینده عراق بستگی دارد. اگر دولت انتقالی عراق بتواند به گونه‌ای مثلاً با شیوه‌های خاص مثل تظاهرات مردمی، رفاندوم و "تایید داخلی را به دست آورد، وضعیت فرق خواهد کرد. مثلاً اگر با برگزاری رفاندومی کردهای عراق و اکثریت شیعیان به این دولت رای دهند، دیگر عرب‌های سنی چیزی نمی‌توانند بگویند. این‌ها ابتکاراتی است که باید عراقی‌ها انجام دهند و وجهه مردمی کسب کنند. بعد از آن می‌توانند با مناسبات دیپلماتیک مسائل خود را حل کنند. البته دولت انتقالی با بعضی از کشورهای عربی مثل اردن، کویت، قطر، عمان، بحرین مشکلی ندارد و شورای موقت عراق به خوبی می‌تواند حمایت این کشورها را به دست آورد. این کار قدری زمان می‌برد. اما به هر حال کشورهای عربی به ناچار آن را می‌پذیرند.

• با توجه به این که اکثریت دولت انتقالی عراق شیعه هستند، آیا یک شرایط هژمونیک برای شیعیان متصور است؟

دشواری‌های درون جامعه عراق نشان می‌دهد که شیعیان چون در مقابل کردها، لیبیرال‌ها، سکولارها و "قراردارند نمی‌توانند هژمونیک باشند در ضمن داشتن دعوا و اختلاف درون خود نیز به نفعشان نیست، بنابراین بین شیعیان ائتلاف صورت می‌گیرد. برای مجلس اعلا بهترین و عاقلانه‌ترین راه این

است که به گروه های موجود شیعه مثل حزب الدعوة، گروه آقای شیرازی و برادران مدرسی، حتی صدها امتیازاتی بدهد تا ائتلاف شیعه به وجود آید البته نشانه هایی از آن نیز دیده می شود. به هر حال قتل حکیم باعث انسجام شیعیان شده است.

• آقای دکتر، شما وزن مجلس اعلاي انقلاب اسلامي را بعد از ترور حکیم چگونه می بینید، آیا این وزن افزایش یافته است؟

بله. قطعاً وزنه آن سنگین می شود. ترور حکیم باعث نزدیکی و مشورت بیشتر گروه ها و جریانات سیاسی و غیر سیاسی شیعه و مراجع می شد. به هر حال این ترور از نظری ضربه به آمریکا هم بود. بنابر این ابزارهای چانه زنی آنها در برابر آمریکا و همچنین کردها بیشتر می شود. گرچه ممکن است در کوتاه مدت ضربه ای به شیعیان محسوب شود اما در آینده عراق، وزن شیعیان را بیشتر می کند.

• آیا بعد از ترور حکیم، عملیات نظامی، پارتیزانی و نظامی ضد آمریکایی در عراق کاهش پیدا کرده و عراق را به سمت آرام تر شدن سوق می دهد یا این گونه اقدامات تشدید خواهد شد؟

البته چند مسئله در این جا وجود دارد، شاید کاهش عملیات نظامی گسترده يك دليل منطقي داشته باشد. چون این گونه عملیات در چند جا انجام شده است. یکی در مورد لوله های نفتی بود که چون کسی نبود از آنها محافظت کند. دیگری حمله به دفتر سازمان ملل بود که آن هم باز محافظ نداشت. یکی هم در شهرهای شیعه عراق بود که کسی چنین گمانی نمی کرد. چون نه مجلس اعلانه در مسائل امنیتی تجربه داشت و نه آمریکایی ها آنجا بودند که کنترل کنند. بنابراین، کمتر شدن این گونه عملیات یا به دلیل محافظت بیشتر است و یا به این دلیل که صدام و حزب بعث و بقایای آنها متوجه شدند که این کارها مانند ترور حکیم، انفجار لوله های نفت و انفجار دفتر سازمان ملل وضع بقایای حزب بعث را بدتر کرده است و باعث نفرت عجیبی در بین مردم شده است.

• در واقع مشروعیت خیالی آنها را زیر سؤال برده است؟
بله. این گونه عملیات فایده ندارد. بی دلیل نیست که صدام نوار پر می کند و اعلام می کند که این کار را انجام نداده است. اما عملیات ایدایی علیه آمریکا همچنان ادامه داشته و خواهد داشت. البته به تدریج کاهش پیدا خواهد کرد.

• با توجه به فرآیند کنونی آینده عراق را چگونه می بینید؟
البته سناریوهای مختلفی مانند جنگ داخلی، جنگ بین شیعه ها و " قابل پیش بینی بود. اما به نظر می رسد بعد از گذشت چند هفته از این ترور می توان خوش بینانه به آینده عراق نگاه کرد. زیرا کسانی که خواهان بی ثباتی در آینده این کشور هستند (از هر گروهی باشند) موفق نخواهند شد. و وضعیت عراق در آینده مستحکم تر خواهد شد. چون اکثریت نیروهای سیاسی - اجتماعی اعم از شیعیان، کردها، گروه های دیگر عراقی، لیبرال ها و آمریکایی ها همگی بر سر روی کار آمدن يك دولت دوست و با ثبات، با هم متحد هستند. در نتیجه هیچ کس نخواهند توانست این فرآیند را به چالش بطلبند. گروه هایی مانند القاعده و صدام هم به تدریج از صحنه محو خواهند شد. نفع کشورهای دیگر نظیر ایران هم در با ثبات شدن نشدن عراق است.

• آمریکا پذیرفت سپاه بدر به طور رسمی مسئولیت امنیت شهرهای مقدس را به عهده بگیرد. با توجه به این که ابتدا آمریکایی ها سپاه بدر را از وارد شدن به قضایای امنیتی منع می کردند. تلقی شما از دادن این مسئولیت به آنها چیست؟

آنچه آمریکایی ها نهي می کردند، مشارکت سپاه بدر به عنوان سپاهی که توپ، تانک و احتمالاً هلی کوپتر و" دارد در جریان عملیات علیه صدام بود و دلشان نمی خواست بگویند این ها وزنه ای بودند. بنابر این آنها را منع می کردند. اما تا جایی که اطلاع دارم مخالفت آمریکایی ها با ایجاد امنیت توسط سپاه بدر، این قدر جدی نبوده است. چون عملاً این امنیت به دست آنها بود. مگر محافظان حکیم غیر از سپاه بدر بودند؟ در واقع این مطلبی نیست که آمریکا تا به حال با آن مخالف بوده و اکنون با آن موافق شده باشد و باید به طور نسبی به این قضیه نگاه کرد. آمریکا نیز در حوادثی که اخیراً اتفاق افتاد به این نتیجه رسید که بهتر است از این مخالفت دست بردارد. به هر حال سپاه بدر نمی خواهد علیه آمریکا بجنگد زیرا اصلاً این کار به نفعش نیست. چون می داند هنوز دشمن قدری به نام صدام حسین، جایی پنهان است و دشمنان دیگری نیز در اطراف و اکناف وجود دارد که ضروری است اول آنها را از صحنه به در کند. آمریکا هم به خوبی این را می داند و به همین دلیل امنیت آن شهرها را به دست خود این ها سپرده است و چه بسا که کمک هم بکنند و حتی به آنها اسلحه هم بدهند که امری طبیعی قلمداد می شود.

• پیشنهاد دادیم عنوان سپاه بدر را عوض کنند

کامبیز توانا: روزنامه شرق - پنجشنبه 15 آبان 1382 - 6 نوامبر 2003

بخش اول گفت و گو با فاضل المالکی رهبر قبایل شیعه دیروز از نظراتان گذشت، قسمت دوم آن را می خوانید



• منظورتان چیست؟

- به نظر ما مجلس اعلا در کل جهان به تشکلی دست پرورده ایران معروف است. ما می دانیم که صد درصد ساخته دست ایران نیست و آقایان عراقی هم شرکت داشته اند. ولی مجلس اعلا در تصمیم گیری و مقررات تابع اینجا [ایران] است. همه مخالفان می گویند سپاه بدر ایرانی است. درست است که افراد و کارکنان عراقی هستند، ولی برنامه خود را از ایران می گیرند. پس از سقوط صدام گفتیم بیایید و عنوان تشکیلات را عوض کنید تا دنیا بدانند این تشکل جدید است. عنوان سپاه بدر را پیشنهاد دادیم عوض کنند و تحولاتی ایجاد کنند تا از آن رنگ خارج شود. به لحاظ مضمون هم گفتیم اجازه دهید آقایان در حرکت خود آزاد باشند.
- شما نظر انتقادی به حرکت مجلس اعلا و تقابل آن با تشکیلات مقتدی صدر دارید ولی همین مجلس اعلائی تابع ایران شاهد حضور مقتدی صدر در ایران و ملاقات با مقامات ایرانی است. به لحاظ تبلیغاتی و داخلی این سفر نکات قابل توجهی در خود دارد. به نیروهای خارجی نشان می دهند که صدر با افراد قدرتمند ایران ارتباط دارد. جهان می فهمد که ایران در عراق طرفدار زیاد دارد، در داخل هم به طرفداران مجلس اعلا نشان می دهند که ما با رئیس و سرور شما روابط خوبی داریم. و هم اشاره ای است برای دیگران [مجلس اعلا] که شما تنها در صحنه نیستید و ما می توانیم اهداف خود را با بقیه پیش ببریم. نکات زیادی دارد.
- یعنی با تشکیلات صدر به مجلس اعلا نشان می دهند که ما می توانیم از راه دیگر سیاست های خود را پیش ببریم.
- بله. البته تقویت جمهوری اسلامی تقویت اسلام در منطقه است.
- گفته شد پس از ترور مرحوم حکیم از شما دعوت کردند که در مجلس اعلا حاضر شوید.
- بله. حتی قبل از آن و خود مرحوم شهید حکیم هم گفتند که تجدید نظر و قبول عضویت کنم که من نظر منفی دادم ولی فعالیت خود را ترک نکردم. ولی چون ما صفت رسمی نداریم کسی فعالیت های ما را منعکس نمی کند.
- شما رهبر قبایل شیعه عراق هستید. چه منصب دیگری انتظار دارید؟
- بله. با اینکه باید موضع گیری سیاسی داشته باشیم ولی نباید در منصب حکومت جای بگیریم. مدل ایران برای ایران خوب است. کشور ما کشوری عربی است و خصوصیات قومی و ملی آن متفاوت است. به نظر من علمای دین هر چه بتوانند باید دور از مناصب فعال باشند. باید در صحنه باشند ولی متصدی پست و مقامی نباشند. شرایط عراق برای مدل جمهوری اسلامی نیست. علمای دینی هم نباید به عضویت تشکیل یا حزب منحصر شوند. این انحصار کوچکی به دنبال دارد و حالت پدری خود را از دست داده و رقابتی می شود. ضمن اینکه به نظر ما در شرایط موجود اگر علما وارد تشکیلات و مناصب سیاسی شوند، نمی توانند وظیفه خود را انجام دهند. با اینکه مردم از آنها انتظار دارند، ولی آنها نمی توانند و مردم فکر می کنند علما برای منصب وارد قدرت شده اند. و مردم همه مشکلات را گردن علما می اندازند. در نتیجه علما کاری نمی توانند از پیش ببرند و به انتقاد از مردم روی می آورند. اما باید در صحنه باشند. نیروی سیاسی و مردمی باشند و به مردم پیشنهاد و کمک دهند ولی اگر وزیر و رئیس الوزرا شوند نمی توانند کاری از پیش ببرند.
- یعنی روحانی در جایگاه سیاسی نمی تواند مفید باشد؟
- بله. البته در عراق، علما نباید وارد منصب شوند ولی می توانند افرادی را تربیت کنند، و به داخل حکومت بفرستند. افرادی که با فرهنگ و متعهد باشند و علما از دور آنها را هدایت کنند عالم باید فعالیت سیاسی داشته باشد و طرفداران خود را جلو بفرستد.
- درباره ریاست فعلی مجلس اعلا چه نظری دارید؟ وضع مجلس اعلا در حال حاضر چگونه است؟ خیلی محدود است. اگر در عراق جویا شوید، می بینید که در همه جا تشکیلات دارد ولی همه فقط کارمند این تشکیلات هستند. ولی به لحاظ مردمی مجلس اعلا زمینه ای ندارد و بسیار محدود است، مجلس اعلا کاری اجرایی نمی تواند از پیش ببرد.
- فکر می کنید علت این ناکارایی دور بودن آنان از مردم است؟
- تأثر مردم از شهادت آقای حکیم به معنی این نیست که مجلس طرفدار دارد. خود شخص زمینه ای خاص دارد. دوم، شهادت ایشان به آن شکل، موجب تأثر مردم است. ولی دلیل نمی شود جمعیتی که برای تشییع جنازه آمدند طرفدار مجلس اعلا باشند. درست است که نقد داریم ولی دعا می کنیم که موفق شوند. اعتراض ما این است که نباید يك نفر کارها را به نام خود تمام کند. کنفرانس بغداد برای تشکیل دولت موقت اگر به تولد احزاب مختلف منجر می شد، معتبر می بود. یکی از سران کنفرانس تماس گرفت و شرکت من را جویا شد. من نظرات خود را دادم ولی نرفتم. حقوق همه افراد عراقی را در نظر گرفتیم. چه شیعه چه غیر شیعه تا زمینه انتخابات مردمی فراهم شود.
- به نظر می رسد نگاه مردمی و عاری از تندروی شما به مذاق رهبران فعلی عراق خوش نمی آید. ما در حال حاضر سه مشکل داریم. ابتدا این که افراد قصد دارند خود را در صحنه حاضر ساخته و دیگران را حذف کنند. دوم، متأسفانه می خواهند خود عهده دار امور اجرایی شده و مقام به دست بیاورند که با مشکلی برخورد می کنند. این مشکل مادر همه مشکل هاست. سوم تابعیت و تأثیرپذیری از خارجی ها است. من درباره روحانیت حاضر در صحنه صحبت می کنم و مشکل آنها به اول و دوم برمی گردد و البته دیگر افراد.

- وظیفه روحانیت در عراق خیلی مهم است. اکثر مردم عراق شیعه هستند. بله. مردم بنده را عالم دینی می دانند و به این عنوان طبیعی است که مردم را به قبول نظام اسلامی دعوت می کنیم و در این راه تبلیغ می کنیم. مردم را هدایت و توجیه می کنیم ولی نمی توانیم طرح خود را به مردم تحمیل کنیم. نمی توانیم. اسلام با مشکل مواجه می شود. چه در نظام اسلامی و چه در جزئیات مختلف، پیغمبر اسلام از ابتدا قانون نگذاشتند که شرب خمر حرام است. زمینه که آماده شد، گفتند بای نحو حرام است. به تدریج قابل شدند. در دیگر مسایل چون حجاب هم همین طور است. درست است می گویند دست سارق قطع شود ولی در دوران قحطی این حکم جایز نیست. ما دعوت می کنیم و تبلیغ می کنیم تا مردم به تدریج بپذیرند ولی تحمیل نمی کنیم.
- پس معتقدید می توان دموکراسی را با حکومت اسلامی تلفیق کرد؟
- ببینید مسلمان باید وضو بگیرد. اگر آب را هدر داد و دیگر آب در اختیار نداشت، باید تیمم کند. شرع اسلام چنین می گوید. حکومت دموکراسی در این شرایط که مردم عراق نمی توانند حکومت صددرصد اسلامی ایجاد کنند، باید توسط مردم اجرا شود. اسلام نه می گوید که مسایل را رها کنید و نه می گوید که تحمیل کنید. دموکراسی در حال حاضر در نظر ما حکم تیمم را دارد. درست است که مردم از اسلام و میانی اسلام دور شده اند و یا اشخاص قدرتمندی برای تطبیق با اسلام وجود ندارد. یا مردم قوانین اسلامی را قبول نمی کنند و یا ما افرادی حاذق برای تطبیق حکومت اسلامی و دموکراسی نداریم. دموکراسی با نظام فقهی هم نقاط مشترک دارد و هم نقاط افتراق. با این حال ما به حکومت دموکراسی معتقد هستیم. چون برای اسلام احترام قابل است، اگر من نتوانستم 50 درصد تأثیر داشته باشم ولی بر 100 درصد اصرار کنم، حتی 50 درصد را از دست داده ام.
- چرا؟
- يك کشور اسلامی واقعی قاعدتا کشوری مستقل است که به خارج تکیه ندارد و تکیه گاه آن مردم است. به پلیس و نیروی نظامی هم متکی نیست. بر محبوبیت مردمی استوار است و اگر تحمیل کنیم، نمی توانیم آن را حفظ کنیم.
- آیا تشکیلات مقتدی صدر در عراق به جایی می رسد؟
- تشکیلات مقتدی صدر تشکیلات بزرگ و موثری است که دنباله رو شهید صدر است. حرکت آنها مردمی و داخلی است و بنیاد مردمی دارد. بحث غیرمردمی بودن آنان از شورای حکام انتقالی مطرح شده است. چرا که دولت انتقالی تولدی غیرشرعی داشت که مردمی نبود و برمر آن را علم کرد. ولی تشکیلات صدری در دولت های اسلامی و عرب مقبولیت دارد.
- پس اعلام تشکل موازی صدر با موضع مردمی همراه است.
- بله. الان حرکتی در عراق هست که دوست دارد مردمی باشد و تابع بیگانه نباشد. چنین ارتباطی بین مقتدی صدر و مردم عراق وجود دارد.
- شما خود را به کدام يك از تشکیلات فعلی نزدیک می دانید؟
- ما عراقی و مردمی هستیم و در مدرسه اهل بیت هستیم ولی نمی توانیم کاری خارج از میانی کشور و مردم خود انجام دهیم. کشور ما سنی، شیعه، مسیحی، عرب و کرد دارد که باید مثل خانواده زندگی کنیم. روابط خوبی با همه داریم. من بخشی از تشکیلات فعلی نیستم ولی مجلس اعلا از لحاظ رسمیت با ما سنخیتی ندارد و هیچ هماهنگی و برنامه کاری با آنها ندارم. ولی به لحاظ روابط قلبی افراد این تشکیلات، همه با هم خوب هستند و به من احترام می گذارند.
- به عنوان داماد مرحوم حکیم، علایق نزدیکتری با مجلس اعلا ندارید؟
- روابط خانوادگی فارغ از روابط کاری و سیاسی است و من به خاطر مسایل خانوادگی حاضر نیستم وارد برنامه ای که اعتقاد ندارم، بشوم.
- به عنوان رهبر معنوی 15 میلیون نفر قبایل شیعه عراق چه برنامه ای برای آنها دارید؟ گفته شده یهودیان مشغول خرید زمین هستند. تمام پروژه های بازسازی به شرکت های آمریکایی واگذار شده است. شما برای مردم خود چه برنامه ای دارید؟
- بله. ولی مردم ما باید اختلاف عملی را کنار بگذارند و متحد شوند. باید مستقل باشند و اصرار بر حکومت مردمی و انتخاباتی داشته باشند. باید حکومت انتقالی را به لحاظ شرعی تحریم کنند ولی توصیه می کنیم در حال حاضر از درگیری نظامی بپرهیزند. ما باید تظاهرات کرده و اعلام کنیم که با اشغال بیگانه مخالفیم. باید حکومت مردمی را مطالبه کنند. در خصوص یهودی ها که زمین می خرند باید بگویم که از من استفتاء کردند و من فتوا دادم که: «کار و همکاری با شرکت های آمریکایی و یهودی جایز نیست و فروش زمین و خانه هم با آنها جایز نیست.» فتوا دادم و در عراق منتشر شد.
- ولی مردم عراق در حال حاضر با بدبختی و فقر و ناامنی دست به گریبان هستند که به نظر می رسد نتوانند توصیه های شما را اجرا کنند.
- خوب مردم قدرت مقابله با اشغالگران را ندارند. برخی تشکیلات عراقی به خود اشغالگران وابسته است و با آمریکا همکاری دارند تا مقاومت مردم را بشکنند. آمریکایی ها هم بعضی ها را از بین نبرده اند. حالا لازم نیست صدام بیاید. هر وقت عرصه بر آنها تنگ شد، بعضی ها را برمی گردانند. آمریکایی ها بعضی ها را از بین نبردند تا اول تهدیدی برای مردم باشند و دوم بتوانند عملیات تروریستی خود را پیش ببرند. سوم، برای مختل کردن وضعیت امنیتی از آنها استفاده می کنند تا بقای خود را تضمین کنند و بیشتر در عراق بمانند.

تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

روزنامه های تهران: 14 آبان

بی بی سی - چهارشنبه 14 آبان 1382 - 5 نوامبر 2003

شرق در گزارشی از مراسم ۱۳ آبان نوشته بیست و چهارمین سالگرد تسخیر سفارت آمریکا در تهران روز گذشته در حالی برگزار شد که هیچ کدام از رهبران جنبش دانشجویان پیرو خط امام (تسخیرکنندگان سفارت آمریکا) در این مراسم حضور نداشتند. به نوشته **شرق**، عباس عیدی بازداشت است، محسن میردامادی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس ترجیح داد در مراسمی که سخنران آن از جناح دیگر است شرکت نکند، ابراهیم اصغرزاده دبیرکل حزب همبستگی و محمدرضا بهزادیان رئیس اتاق بازرگانی تهران نیز در مراسم حضور نداشتند همچنان که معصومه ابتکار، حبیب الله بیطرف و تعدادی از دیگر رهبران سابق جنبش دانشجویی شرکت در جلسات سیاسی و دولتی را به این کار ترجیح دادند. مراسمی که دانشجویان اشغال کننده سفارت آمریکا از شرکت در آن خودداری کردند همان است که **رسالت** خبر آن را در بالای صفحه اول خود آورده و از زبان ناطق نوری که سخنران آن بوده نوشته است انقلاب دوم مانع از سلطه مجدد آمریکا بر ایران شد. انقلاب دوم عنوان است که بنیان گذار جمهوری اسلامی به اشغال سفارت و گروگان گیری آمریکائیان داده بود.

همزمان با سفر گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل به ایران روزنامه های تهران گزارش داده اند که آمبئی لیگابو تنها درباره آزادی بیان و مطبوعات تحقیق خواهد کرد و با افرادی در این زمینه فعالیت دارند ملاقات خواهد کرد.

به نوشته روزنامه **ایران** جواد لاریجانی با بیان اینکه ملاقات اعضای هیات سازمان ملل با زندانیان از جانب ما اشکالی ندارد، گفت: وزارت خارجه و مسئولان اجرایی کشور، مسئول تنظیم ملاقات ها هستند.

معاون بین المللی قوه قضاییه گفته است اینها آزادند با هر کس صحبت کنند؛ انتقادات در کشور ما بیش از آنکه از زبان زندانیان باشد از زبان کسانی که بیرون هستند مطرح می شود و من فکر می کنم همین امکان مطرح شدن انتقادات اگر چه گاهی تلخ و خلاف واقع است، برای آینده کشور خوب است و تضمین دموکراسی در کشور ما خواهد بود.

کیهان در مقاله ای اصلاح طلبان را متهم کرده است که با جنجال بر سر پرونده زهرا کاظمی و آزادی بیان سعی می کنند در آستانه انتخابات نظر مردم را متوجه خود کنند.

به نوشته محمد ایمانی در سرمقاله **کیهان** این ها فرشته نجات مشارکتی ها نمی شود، چنانکه ماجرای لویج دوگانه یا پروتکل الحاقی نتوانست رمقی در کالبد نیمه جان جبهه اصلاحات بدواند. **انتخاب** در گزارشی از مجلس نوشته بر اساس لایحه تصویب شده کارکنان نیروهای مسلح از عضویت در سازمان ها، احزاب، جمعیت های سیاسی و همچنین مداخله، شرکت یا فعالیت در دسته بندی ها و مناقشه های سیاسی و تبلیغات انتخاباتی منع شده اند.

براساس ماده ای که در مجلس به تصویب رسیده هر فرد نظامی که با استفاده از تجهیزات نظامی برنامه براندازانه به مفهوم تغییر و نابودی اساس نظام جمهوری اسلامی ایران طراحی یا بدان اقدام کرده و به این منظور جمعیتی با بیش از سه نفر تشکیل دهد یا اداره کند به مجازات اعدام محکوم می شود.

یاس نو در مقاله ای نوشته اگر محافظه کاران بر این باورند که با اقلیت ۱۵ درصدی و دلسرد کردن اکثریت مردم می توانند حکومت کنند باید پاسخ دهند که در آن صورت آیا بیش تر شهروندان به خصوص جوانان به خارج متوجه نخواهند شد و آیا این شیوه طمع خارجی ها را برای دخالت در امور داخلی افزایش نمی دهد.

مصطفی تاج زاده در مقاله **یاس نو** تاکید کرده که دعوت زبانی از مردم برای شرکت در انتخابات صادقانه ارزیابی نمی شود و اگر تعبیرات اساسی در جهت تمکین از رای مردم صورت نگیرد و انتخاباتی عادلانه برپا نشود، حضور پرشور مردم در صندوق های رای دور از انتظار خواهد بود.

رسالت در مقاله ای نوشته ارزش های دینی و اخلاقی مورد تاکید حکومت به شدت آسیب دیده و بحران سنگینی با غلبه بی اعتمادی و سوء ظن به مردم پدید آمده که از اولین خصلت هائی است که با بحران اجتماعی بروز خواهد کرد.

امیر محبیان اظهار نظر کرده که ضربه های اساسی به اعتماد مردم وارد آمده که بعید نیست بحران خسارت های فعلی هم دشوار باشد و نتوان اعتماد عمومی را بازسازی کرد.

شرق مصاحبه ای دارد با «فاضل المالکی» عضوی از خانواده آیت الله حکیم که گفته است مجلس اعلامی عراق از ابتدای مبنای درستی نداشت و حالا هم به نفع هیچ گروه سیاسی نیست که از جانب مردم عراق متهم به داشتن رابطه با ایران شود.

فاضل المالکی که در قم به تدریس فقه به طلاب عراقی مشغول است به **شرق** گفته است در طرح جهانی و سیاسی و تبلیغاتی نباید مطرح شود که ما تابع ایران هستیم، این تابعیت به ضرر ایران و ماست. آمریکا و همدستانش اگر بدانند کشوری خاص در عراق نقش دارد، حمله می کنند و از بین می برند.

احمد زیدآبادی در مقاله ای در **شرق** این تصور محافظه کاران را که آمریکا در عراق با صحنه ای مانند ویتنام روبرو شده و در باتلاق آن فرو رفته رد کرده و نوشته میزان تلفات آمریکایی ها در عراق که روزانه به یک نفر هم نمی رسد، قابل قیاس با تلفات ارتش آنها در ویتنام نیست. نویسنده **شرق** اضافه کرده اگر اوضاع به روال ۶ ماه گذشته در عراق پیش رود، ۲۰۰ سال طول می کشد تا شمار قربانیان جنگ در عراق به سطح قربانیان آمریکا در جنگ ویتنام برسد! با این همه، آمریکائیان با همین میزان از تلفات هم مسئله دار شده اند و تلاش می کنند نظامیان خود را از کوچه و خیابان به پادگان ها ببرند و یا به کل از عراق خارج کنند.

کوناگون

13 آبان 58 به روایت عباس عبیدی
چهارشنبه 14 آبان 1382 - 5 نوامبر 2003

روزنامه «پاس نو» در شماره روز سه شنبه 13 آبان خود به مناسبت سالگرد تسخیر سفارت آمریکا در تهران و سالگرد بازداشت عباس عبیدی اقدام به انتشار مصاحبه منتشر نشده از وی نموده است که در پی می آید:

هسته مرکزی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام چگونه شکل گرفت؟
در دوران قبل از انقلاب دانشجویان سیاسی و فعال به دو گروه کلی مذهبی و غیرمذهبی تقسیم می شدند؛ گروه های غیرمذهبی عمدتاً به گروه های سیاسی بیرون مثل چریک های فدایی، حزب توده و... وابسته بودند. گروه های مذهبی به دلیل اینکه احزاب سیاسی عین آنها وجود نداشت، بیشتر خودشان فعالیت می کردند البته ارتباطات بیرونی داشتند. بعضی ها با سازمان مجاهدین خلق ارتباط داشتند و بعضی دیگر نه. دانشجویان مذهبی از سال 52-53 دست بالا را در دانشگاه ها داشتند و قدرت اصلی در دانشگاه ها دست آنها بود. سه دانشگاه مهم آن زمان، دانشکده فنی دانشگاه تهران، پلی تکنیک و دانشگاه صنعتی شریف بودند، این سه دانشگاه مرکزیت فعالیت سیاسی دانشجویان بودند و بچه های انجمن اسلامی آن موقع، انجمن مسجد در واقع، چون آن موقع تشکیلات شناخته شده ای به منزله تشکیلات علنی و رسمی وجود نداشت، در این مکان ها فعالیت داشتند.
بعد از انقلاب، مجموعه این بچه ها-که اسمشان، سازمان دانشجویان مسلمان بود-و بقیه انجمن های اسلامی، دفتر تحکیم را تشکیل دادند. بعداً هم دانشگاه شهید بهشتی فعلی و ملی سابق هم به آنها اضافه شد. این هسته مرکزی آنهاست که قبل از انقلاب هم بود و بعد از انقلاب هم همچنان فعال بود.

مبانی فکری، عقیدتی و سیاسی آنها (دانشجویان مسلمان خط امام) چه بود؟
شما باید شرایط آن موقع را بدانید، من برای شما توضیح می دهم. این بحث کمی مفصل است من یک مقاله نوشتم در نشریه بهار، اگر فرصتی باشد می شود به آنجا مراجعه کرد و دید.
فضای آن موقع، به لحاظ اقتصادی کلاً چپ حاکم بود. یعنی سوسیالیزم، برابری، در کل دنیا. البته کل که می گویم منظورم نگاه غالب روشنفکرها و نهضت ها و گروه ها است. علی القاعده در ایران هم این نگاه حاکم شد. دلایل آن هم متعدد است. غیر از اینکه ایران هم از دنیا تأثیر می پذیرفت. دلیل دیگر این بود که به هر حال در ایران، رژیم شاه حاکم بود که در واقع یک نوع نظام شبه سرمایه داری وابسته به آمریکا بود. این بیشتر مردم را تشویق می کرد که به سمت آن ایده ها بروند.
از نظر فرهنگی دهه 60 و 70 میلادی در دنیا نهضتی وجود داشت که آن را اصطلاحاً می توان نهضت بازگشت به خویش نام نهاد. این کتاب بازگشت به خویش که می بینید دکتر [شریعتی] نوشته همچنین مضامین مشابه در کشورهای دیگر مثل آفریقا هم وجود داشت. دلیلش این بود که در ایران اولین نهضت، نهضت مشروطه بود که لیبرال بود. به دلایل متعددی به رضاخان رسید و شکست خورد. بعد از آن نهضت مارکسیستی بود که آن هم آخر و عاقبتش در کودتای 28 مرداد و رفتارهای حزب توده مشخص شد و شکست خورد. بعد نهضت ملی گرای بود. البته اینها همه بلافاصله پشت سرهم اتفاق نیفتاد ولی عاقبتش اینگونه بود.

نهضت ملی هم در واقع در 28 مرداد جواب نداد. بنابراین نهضت بازگشت به خویش در ایران به نهضت بازگشت به اسلام تفسیر شد. به همین دلیل است که شما می بینید این نهضت بسیار قوی است. مثلاً از سال 52-53 به بعد دانشگاه کلاً به دست بچه مذهبی ها افتاد در صورتی که تا قبل از آن دست چپی ها بود.

یک بعد روشی هم وجود داشت و آن اینکه دهه 60 و 70 میلادی، دهه انقلاب بود. دهه انقلاب یعنی اینکه در حوزه انقلاب، بعد از انقلاب الجزایر انقلاب چین، انقلاب کوبا و... گرایش به انقلاب بالا بود. به علاوه رفتارهای سرکوب گرایانه قدرت های جهانی به ویژه آمریکا این فرآیندها را تشدید می کرد و شکست آمریکا در قضیه ویتنام بسیار موجب تقویت این گرایش ها شد. بنابراین می توانم بگویم مبانی فکری عقیدتی و سیاسی و رفتارهای آنها از سه منبع فوق بود. بچه مذهبی ها اینطور بودند و بچه های چپ و مارکسیست فقط در عقیده تفاوت داشتند ولی در رادیکال بودن و انقلابی بودن آنها هیچ بحثی نیست. در ایران هم چون اساساً رژیم شاه یک رژیم کودتایی بود و به خاطر وابستگی های شاه به آمریکا و اینکه هر روز فضا را بسته تر می کند، جنبش رادیکالیسم بسیار جذاب بود.

مثلاً شاه برخلاف جریان آب شنا می‌کرد، هرچه توسعه اجتماعی و اقتصادی بیشتر می‌شد، باید توسعه سیاسی همزمان با آن بیشتر می‌شد ولی شاه در سال 54 با پیشرفت قیمت نفت و توسعه اجتماعی - اقتصادی احزاب را تعطیل کرد و گفت همه باید عضو حزب رستاخیز شوند. اگر امروز به شما این حرف را بزنند که به زور بروید فلان جا، خیلی تعجب می‌کنید ولی شاه خیلی صریح این حرف را زد. مثلاً خیلی صریح پشت تلویزیون گفت هرکس سیاست‌های مرا نمی‌پذیرد، پاسپورتش را بگیرد و برود. این فضاها خودش مشوق و مقوم رادیکالیسم بود. به عبارتی آمریکا را هم دنبال خودش کشاند. آمریکایی‌ها ابتدا شاه را سرکار آوردند و از او حمایت کردند ولی در نهایت این شاه بود که آمریکا را دنبال خودش کشاند. یکی از اسناد سفارت آمریکا موجود است که سفیر آمریکا در سال 75 به آمریکا می‌نویسد که این راه دیگر جواب نمی‌دهد، این رژیم به بن‌بست می‌رسد. ولی به او دستور داده بودند که چیزی نگوید و همین راه را باید ادامه بدهد. این یک نوع بازی سیاسی است که سرنوشت شاه و آمریکا عملاً به هم گره خورد و وضعیت انقلاب و مسائل بعد از آن به وجود آمد.

رهبری دانشجویان مسلمان با چه کسی بود؟ فرماندهی و رهبری به معنای جدید وجود نداشت. به یک مفهوم کلی نظرات امام را قبول داشتند و اگر یقین پیدا می‌شد که ایشان نظر خاصی دارد، حتماً از ایشان تبعیت می‌کردند. چون امام را قبول داشتند. ولی در درون خودشان شورایی بودند. پنج نفر شورا بودند. شوراهای متعددی بود و بیشتر حالت مشاوره‌ای داشت. البته گاهی که نظر امام مشخص و قطعی نبود و به علاوه خودشان هم به اجماع نمی‌رسیدند، نظر آقای موسوی خوئینی‌ها را مقدم می‌دانستند.

تسخیر لانه جاسوسی، حرکتی برنامه‌ریزی شده بود یا دفعی و خودجوش؟ اگر برنامه‌ریزی شده بود، این برنامه از کجا و از طرف چه کسی بود؟ ببینید این دو مسأله با هم تعارض ندارد، برنامه‌ریزی شده با خودجوش تعارض ندارد. به نظر من یک حرکت خودجوش برنامه‌ریزی شده بود. حرکت برنامه‌ریزی شده‌ای بود که مبتنی بر یک حرکت خودجوش بود. وقتی سفارت آمریکا اشغال شد، درست نیم ساعت بعد اطراف سفارت مملو از جمعیت بود. نبود خبری که مردم بشنوند و از کنارش بگذرند؛ به محض اینکه می‌شنوند اصلاً نیازی به سؤال کردن ندارند. آنقدر که این مسأله برایشان بدیهی و خودجوش است. ولی این خودجوشی به این معنا نیست که برنامه‌ریزی نداشته است؛ برنامه دقیقی داشته و سرجای خودش هم بوده است.

شما اشاره کردید شورایی بوده که تصمیم‌گیری می‌کرده است؛ می‌توانم خواهش کنم اسامی آن چهار یا پنج نفر را بگویید؟ آنجا چند شورا داشت. یک شورا، شورای هماهنگی بود و یکی دیگر شورای بازو و شوراهای دیگر. در شوراهای هماهنگی آقای میردامادی از پلی‌تکنیک، آقای اصغرزاده از صنعتی شریف، آقای باطنی از شهید بهشتی، آقای بیطرف از دانشکده فنی دانشگاه تهران و آقای سیفالهی که حالت دبیر شورا را داشت و از دانشگاه صنعتی شریف بود عضویت داشتند.

در دوران تسخیر عمده کارهای دانشجویان و گروهان‌ها چه بود؟ آیا با هم ارتباط داشتند؟ در ابتدای کار ارتباط قوی نبود، تا زمانی که گروهان‌ها مستقر شدند، مسائل و مشکلات زیادی پیش آمد. ولی بعد گروهان‌ها زندگی خودشان را می‌کردند و دانشجویان محافظت خودشان را. با هم ممکن بود گپ بزنند. این بحث روانشناسی است. رابطه گروهان و گروهانگیر. البته چون در اینجا حالت خصمانه بینشان وجود نداشت. چون برخلاف همه گروهانگیرها که گروهان‌ها هر لحظه در خطر مرگ هستند یا طرف مسلح است، این قضیه اصلاً اینگونه نبود. از نظر روانشناسی یک وضعیت خاصی بینشان به وجود آمد.

برای دلسرد شدن و تقویت بعد معنوی شخصیت دانشجویان چه کارهایی انجام می‌شد؟ دانشجویان درسشان را می‌خوانند، کلاس داشتند، هرکدام کار خاصی داشتند و در یک بخش کار می‌کردند مثل بخش گروهان‌ها، بخش اسناد و... ورزش هم می‌کردند. خیلی، وقت اضافه نمی‌آوردند.

چه می‌کردند که دچار یأس فلسفی نشوند. چون فشارها از همه طرف روی آنها زیاد بوده هم از طرف دولت‌های خارجی، هم از طرف برخی نیروهای داخلی که با کارشان موافق نبودند. آن فشارها خیلی منفی نبود. چون فشارهای موافقش خیلی بیشتر بود. شما اصلاً نمی‌توانید تصور کنید. شما الان مهمترین واقعه که برای‌تان رخ بدهد، یک ساعت، یک روز، دو روز در آن شرکت می‌کنید. وقتی قضیه سفارت پیش آمد ماه‌ها اطراف سفارت مملو از جمعیت بود. 24 ساعته. باید توجه کنید ببینید معنای این کلمات چیست.

مثل قهرمان بودند، درسته؟

دانشجویان قهرمان نبودند. مردم از عمل آنها استقبال کردند و آمدند. ماه‌ها مردم آنجا بودند در واقع هاید پارک مردم بود. همه گروه‌های سیاسی در خیابان طالبانی بودند. خیابان بسته بود. ده‌ها هزار نفر از شهرستان‌ها با پای پیاده آمدند، در همان یکی دو ماه اول می‌شود گفت صدها شخصیت به آنجا آمده، سخنرانی کردند. بنابراین فشارهای این طرف هزاران برابر فشارهای طرف مقابل بود و از این نظر مشکلی ایجاد نشد.

دستاوردهای مثبت و منفی این قضیه چه بود؟ در حوزه سیاسی به راحتی نمی‌شود گفت که دستاوردهای يك واقعه مثبت بوده یا منفی. چون دستاوردهای يك اتفاق از شروعش نیست که معلوم می‌شود بلکه از تداوم و چگونگی تداوم آن معلوم می‌شود.

اخیراً من شنیدم فیلم‌هایی آمده که پایانش را برعهده تماشاگر می‌گذارند، فیلمی نیست که از ابتدا انتهایش معلوم باشد. می‌توانید شقوق مختلف را برایش در نظر بگیرید و انتخاب کنید. در حوزه سیاست هم همین گونه است. هیچ کس نمی‌تواند بگوید اتفاقی که می‌افتد قطعاً به ضرر ماست. اما این به این معنا نیست که ما نمی‌توانیم از هیچ اتفاقی دفاع کنیم و هیچ اتفاقی را نمی‌توانیم رد کنیم. نه این طور نیست. بلکه معنای روشن آن این است که ارزیابی نسبت به هر اتفاق را همان موقعی که هست و با عرف جامعه زمان خودش باید سنجید.

مثلاً بگذارید برایتان مثالی بزنم. در سال‌های اخیر مشخص شده است که امام بعد از فتح خرمشهر با ادامه جنگ مخالف بودند. الان که ما نگاه می‌کنیم ممکن است به راحتی بگوییم نظر امام درست بوده است. ولی من واقعاً نسبت به این نظر اطمینان صددرصد ندارم. چرا؟ برای اینکه تجربه عراق نشان داد. اگر با عراق صلح می‌شد ممکن بود چهار سال بعد دوباره همین جنگ و دعوا را راه بیندازد. چنان که بعد از ما سراغ کویت رفت.

خب اگر آن روز صلح می‌شد- با اطلاعات امروز در مورد آن روز قضاوت نکنیم- و چهار سال بعد عراق دوباره حمله می‌کرد، همه محکوم می‌کردیم که چرا صلح کردیم. آن روز اوضاع عراق خراب بود و ما می‌توانستیم برویم بصره را هم بگیریم، این طور تصور می‌شد. بنابراین، اعلام نظر کردن به این سهولت نیست.

در مورد اشغال سفارت آمریکا هم، این واقعه انسجام و بسیجی در جامعه ایجاد کرد که معلوم نبود اگر این انسجام و بسیج نبود، ما چه وضعیتی پیدا می‌کردیم. ولی از طرف دیگر يك سري فشارهای بین‌المللی هم به ایران وارد کرد. به نظر من تمام انواع و اقسامش را باید در این قضیه سنجید. من بیش از اینکه به تبعات مثبت و منفی این واقعه فکر کنم، بیشتر فکر می‌کنم واقعه‌ای که این طور رخ می‌دهد و این حد از مردم را ارضا می‌کند و مردم می‌پذیرند و دنبالش می‌آیند این واقعه، واقعه مهمی است و طبیعی.

مثلاً شما ببینید، تمام نیروهای سیاسی مخالف شاه که قبل از انقلاب در کنار هم جنگیده بودند بلافاصله پس از 22 بهمن شروع به جنگ با هم کردند و همدیگر را کشتند. ولی این واقعه آنقدر برایشان طبیعی بود که بعد از آن همه با هم اتحاد کردند. کما این که تا قبل از آن با هم دشمن بودند و همدیگر را کشته بودند، در کردستان، در گنبد و دیگر جاها. ولی درباره این موضوع آنقدر اتفاق نظر داشتند که همه با هم متحد شدند. نکته دیگری که وجود دارد این است که مردم کاملاً يك طلب کلی از آمریکا داشتند که در این قضیه به نوعی طلب خود را گرفتند.

در مورد قرارداد الجزایر توضیح بدهید.

در مورد این قرارداد من همین قدر بگویم که ما عادت کرده‌ایم به راحتی هر چیزی که انجام می‌شود بگوییم طرفمان خیلی دقیق است. ما هم خیلی خراب کردیم. کسی هم نیست بیاید بگوید چطور... ببینید قبل از اشغال سفارت آمریکا، پول‌های ایران که در آمریکا بود همه را بر اساس دادخواست‌های آمریکایی‌ها بلوکه می‌کردند و می‌گرفتند.

يك بار دکتر یزدی که وزیر امور خارجه بود با سایروس ونس صحبت کرد، اگر اشتباه نکنم يك قرارداد 26 میلیون دلاری نیروی دریایی بود. سایروس ونس گفت: اصلاً فایده ندارد. دادگاه‌های ما مستقلاً این کار را انجام می‌دهند. بنابراین مگر اینکه بگوییم پول‌هایمان را از آمریکا بیرون می‌کشیدیم که این هم به راحتی میسر نیست. شما همین امروز ببینید به چه نحوی رفتار می‌کنند. بنابراین آنها پول‌ها را می‌کشیدند بیرون. آنها انواع و اقسام شکایت‌ها را تنظیم می‌کردند و کار خودشان را انجام می‌دادند. کاری که قرارداد الجزایر کرد این بود که این مسائل را در قالبی آورد. اولاً دیگر هیچ دادگاه آمریکایی حق ندارد به شکایت‌های مربوط به قبل از 13 آبان رسیدگی کند فقط دادگاه لاهه باقی می‌ماند. در آنجا هم سه داور بیطرف و سه داور از هر طرف می‌نشینند. برآیند خاص خودش را هم دارد. ببینید سلطه‌ای که آمریکا امروز دارد، در آن زمان هم کمابیش داشت. این طور نیست که کشوری بتواند به راحتی از تعهداتش شانه خالی کند. بگویند نه، نمی‌دهیم. این حرف‌ها شوخی است. بنابراین به نظرم قرارداد الجزایر از این نظر قابل دفاع است. اما یکی دو اشکال در این قرارداد وجود دارد. این اشکالات هم بیشتر از اینجا ناشی می‌شد که سطح تکنیکی حقوق بین‌الملل در ایران خیلی بالا نیست. حقوق بین‌الملل

فرق می‌کند. در واقع حقوق بین‌الملل، حقوق انحصاری آمریکا و غرب است. آنها هستند که روابط بین‌الملل را شکل می‌دهند. ما فوقش در آنجا چیزی یاد بگیریم.

يك نکته مسأله تابعیت مضاعف است که ایرانی‌ها اگر توجه داشتند باید قید می‌کردند که هیچ کس با تابعیت ایرانی حق شکایت علیه ایران را ندارد. حتی تابعیت مضاعف را هم نپذیرند. ولی این کار نشد. بنابراین عده‌ای از ایرانی‌هایی که از قدیم در آمریکا بودند، علیه ما شکایت کردند. ولی فراموش نکنید- البته شما شاید این موضوع را ندانید- که در قرارداد الجزایر کارتر دو بار از اختیارات ویژه خود استفاده کرد. می‌دانید که رئیس‌جمهور آمریکا اختیارات ویژه دارد. مثلاً می‌تواند حقوق مردم آمریکا را به نام دفاع از ملت و کل کشور نادیده بگیرد. کارتر دو جا از این قضیه استفاده کرد و حقوق مردم آمریکا را به نام دفاع از حاکمیت آمریکا در این قضیه نادیده گرفت.

یکی اینکه مردم آمریکا حق مراجعه به دادگاه آمریکایی علیه ایران را ندارند. دوم اینکه در خصوص مسائل 13 آبان به بعد اصلاً حق شکایت ندارند. این دو کار را انجام داد در حالی که بسیار برایش سنگین بود. در مجموع می‌توان گفت که قرارداد الجزایر را باید این طور نقد کرد که آن موقعی که این قرارداد بسته شد، چگونه بود و در آن موقع چه چیز دیگری می‌توانست امکان‌پذیر باشد. ولی در مجموع فکر می‌کنم آنها قدرت برتر و سلطه را در اختیار داشتند. این وضع قبل از اشغال هم بود، در آن زمان هم پول‌ها را بالا می‌کشیدند چه رسد به بعد اشغال.

علت استعفای مهندس بازرگان چه بود؟ آیا به موضوع تسخیر مربوط بود؟
بروید در «کیهان» آن موقع بخوانید. خودشان چند مرتبه گفته‌اند. ربطی به این قضیه ندارد.

واکنش احزاب نسبت به تسخیر لانه جاسوسی چگونه بود؟
تقریباً، بدون استثنا، همه حمایت کردند، به غیر از چند گروه کوچک چند نفره، همه جریان‌های سیاسی در محل حاضر شده و حمایت می‌کردند.

ماجرای طیس در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی چه تأثیری گذاشت؟
ماجرای طیس تأثیری در آزادی گروگان‌ها نداشت. آن را کمی به عقب انداخت و همچنین باعث شد که گروگان‌ها در کل کشور پخش شوند و ماجرا به همه جا سرایت کند.
در ابتدا، فقط اطراف سفارت در تهران شلوغ بود. بعد از انتقال گروگان‌ها به شهرستان‌ها در اطراف ساختمان‌های محل استقرار آنها هم، ازدحام جمعیت بود.

واکنش کشورهای جهان نسبت به قضیه تسخیر چگونه بود؟
به طور اصولی، طبیعی است که بسیاری از کشورها با این قضیه مخالفت کنند.

همه کشورها مخالفت کردند؟
نه همه کشورها؛ برخی کشورها سکوت کردند. بیشتر مردم کشورهای دنیا حمایت کردند. مثل اتفاقاتی که در پاکستان و عربستان در حمایت از این واقعه افتاد.

آیا حمله عراق به ایران ربطی به گروگانگیری دارد؟
نه، حمله عراق به ایران ربطی به گروگانگیری ندارد.

آیا قطع رابطه آمریکا با ایران و تضعیف ایران تحت فشارهای جهانی عاملی برای حمله عراق نبود؟
قطع رابطه‌ای که به خاطر اشغال سفارت بود، نه. یکی از اسناد آمریکا در سفارتشان موجود است. تحلیلشان از آرایش نظامی عراق این است که «عراق این ارتش را فقط برای حمله به ایران طراحی می‌کند. نه برای حمله به اسرائیل؛ دیر یا زود عراق این کار را انجام می‌دهد.»

پس از این بحران نقش ایران در جامعه بین‌الملل چگونه بود؟
ربطی به این بحران ندارد. ما قبل از این بحران هم نقشی که در جامعه بین‌الملل داشتیم يك نقش رادیکال - انقلابی بود. ربطی به این مسائل ندارد. در کل، این قضیه، تفکر رادیکال انقلابی را تشدید کرد.

قطع رابطه آمریکا از نظر اقتصادی چه تأثیری داشت؟
تردیدی نیست که تحریم‌ها تأثیر منفی داشت. اما يك نکته‌ای که اینجا وجود دارد این است که ما با آمریکا دیر یا زود به این مرحله می‌رسیدیم. اینکه شما می‌گویید آنها می‌خواستند با ایران ارتباط داشته باشند. آنها از منظر خودشان می‌خواستند با ما ارتباط داشته باشند نه از منظر ما.

ولی رابطه استعماری هم که نمی‌خواستند داشته باشند؟
نه، قضیه اینطوری نیست. آنها در هر حال دنبال زاویه دید و مسائل خودشان بودند؛ ما دیر یا زود با آمریکا دعوایمان می‌شد. مثلاً شما ببینید درسته که گروگانگیری روی روابط ما تأثیر داشته است ولی ما دیگر سال‌هاست با آمریکا مسأله حادی نداریم. ولی کاری نمی‌کند. خب اگر بخواهید گروگانگیری را بگویید،

آنها هم کودتا کردند. ولی آنها گامی پیش نمی‌آمدند. در آنجا لابی‌های صهیونیستی بسیار قوی هستند.

حال که 21 سال از واقعه می‌گذرد می‌توان گفت اگر آن واقعه روی نمی‌داد، ایران امروز موقعیت بهتری داشت؟

به نظر من این مسأله اصلاً درست نیست. من اصلاً نمی‌توانم بگویم اگر آن اتفاق نمی‌افتاد، الان ایران در چه موقعیتی بود که بهتر باشد یا بدتر. شما به این نکته بی‌توجهی نکنید که آن قضیه باعث انسجام اجتماعی شد. بروید روزنامه‌ها را نگاه کنید. قبل از آن واقعه ما در همه جا مشکل داشتیم. بحران‌های مرزی در کردستان، خوزستان و...

بعد از اشغال سفارت شاید بتوان گفت در چیزی به نام شکل‌گیری ایران هم انسجام عمومی به وجود آمد و حکومت مرکزی توانست از پس همه این مسائل به راحتی برآید. بعضی‌ها معتقدند اگر آن اتفاق نمی‌افتاد بحرانی در نسل جوان آن روز به وجود می‌آمد که شاید باعث اضمحلال و فروپاشی می‌شد. آن طرف قضیه را هم باید در نظر گرفت. روی‌دادن آن واقعه و آن همه استقبال و دفاعی که از آن شد آثار روانی بسیار زیادی داشته که اصلاً نمی‌توان نادیده گرفت. بنابراین، چه بسا، ممکن بود اگر آن اتفاق نمی‌افتاد، در حوزه روابط داخلی به اضمحلال کشیده می‌شدیم. ناهماهنگی و خیلی چیزهای دیگر ممکن بود اتفاق بیفتد و ممکن بود چیزی به شکل ایران فعلی وجود نداشته باشد. بنابراین، در حوزه سیاسی این نکته وجود دارد که ما هیچگاه خیر مطلق نداریم.

باید همیشه دید که با مراحل بعدی آن اتفاق چگونه برخورد می‌شود. مثال می‌زنم، فرض کنید کسی پاس خوبی روی دروازه می‌فرستد ولی نمی‌توانند استفاده کنند و تبدیل به ضدحمله می‌شود شما نمی‌توانید بگویید چرا این پاس را داده است. معلوم است اگر این پاس را نمی‌داد، ضد حمله‌ای هم رخ نمی‌داد. وقتی خوب بهره‌بردار نشود، این اتفاق می‌افتد. شما باید بین اینها فرق بگذارید. که اصل قضیه خوب بوده یا خوب نبوده است. اصلاً خوب و بدیش هیچ، اجتناب‌ناپذیر بوده یا نبوده یا برخوردهای بعدی چگونه بوده است؟ و... اینها پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد.